

هویت دینی و پیش‌بایست‌های طراحی برنامه درسی^۱

نوع مقاله: پژوهشی

* حسن نجفی

** حسن ملکی

*** مهدی سبحانی‌نژاد

**** علی مصباح

E-mail: hnajafih@yahoo.com

E-mail: Malaki_cu@yahoo.com

E-mail: sobhaninejad@shahed.ac.ir

E-mail: a-mesbah@qabas.net

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف معرفی هویت دینی انسان و تبیین پیش‌بایست‌های طراحی برنامه درسی مختص به آن انجام گردید. روش پژوهش تحلیلی - استنباطی و منبع اصلی آن، تفسیر گرانقدر المیزان بود، هرچند از نظرات اختصاصی گروه نویسندگان نیز استفاده شد. نتایج نشان داد که انسان فطرتاً هویتی الهی و توحیدی دارد و مظهر حقیقی شناخت، تکوین و تعالی آن عبودیت است. عبودیت شایسته نیز توأم با خضوع و خلوص بوده و تسلیم صرف شدن در برابر اراده خدا و رضای اوست. اتخاذ این نگاه توانست سه پیش‌بایست بینشی، گرایشی و کنشی را جهت طراحی برنامه درسی مختص به آن، که همان برنامه درسی هویت‌بخش دینی است ترسیم کند. بر این اساس، برنامه درسی باید بکوشد تا دانش‌آموز را به شناخت خدا در وجوه مختلف، شناخت نفس اماره و مسیرهای رشد دهنده آن، شناخت شیطان و اغواگری او، تفکر در آفرینش و نشانه‌های خدا، شناخت روز حساب، ملاقات باخدا، انقطاع الی‌الله، حبّ فی‌الله، تضرع به درگاه خدا، گردن نهادن در برابر امر و نهی الهی، ذکر و تسبیح، شکرگزاری، اقامه نماز و دعا دعوت کند و جذب و ماندگار گرداند و از این طریق منتظر تعالی رفتارهای فردی و اجتماعی او باشد.

کلید واژه‌ها: انسان قرآنی، هویت دینی، عبودیت، برنامه درسی، تفسیر المیزان.

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره) با عنوان «طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی هویت دینی مبتنی بر تفسیر المیزان در دوره اول متوسطه» است.

* دانشجوی دکتری گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، نویسنده‌ی مسؤل

** استاد گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

*** دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد

**** دانشیار گروه فلسفه، دانشکده الهیات و علوم انسانی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)



مقدمه

برنامه درسی به دلیل این که دانش آموز زمان زیادی را با آن تعامل دارد از جمله متولیان معرفی «من وجودی» یا هویت است. «طراحی، تدوین، اجرا، ارزشیابی و بازخورد» گام‌های اصلی برنامه درسی هستند. گام اول، یعنی طراحی، حساس‌ترین بخش برنامه‌ی درسی است؛ چراکه تکلیف کیفیت عناصر برنامه در آن تعیین می‌شود. یکی از پرسش‌های مهم برنامه‌ریزان درسی، در گام طراحی، این است که مقصد برنامه کجاست؟ و دیگر عناصر چگونه می‌توانند دانش آموز را برای رسیدن به آن یاری دهند؟ این پرسش در برنامه درسی هویت دینی بدین گونه پاسخ داده می‌شود که مقصد، هدایت دانش آموز به سوی ارتباط‌گیری مطلوب، با دین و کسب شناخت، گرایش، التزام و عمل دینی است تا به آنها تفاعل کرده و دیگران را به خاطر نداشتن آنها متفاوت ببیند. البته این هدایت مبتنی بر فطرت الهی و دیعه گذاشته شده در وجود دانش آموز است (روم / ۳۰)؛ بنابراین هویت هر فردی با دین و اعتقاد به خدا آمیخته گردیده است. بهترین راهنما در مورد آنچه باید انسان به آن اعتقاد داشته باشد، ارزش‌هایی که قبول داشته باشد و بایدها و نبایدهایی که در رفتارش رعایت کند، خالق انسان است؛ چراکه آفریننده بهتر از هر کس دیگری مخلوق خود را می‌شناسد و در مورد آنچه منجر به رشد او و در نهایت سعادتش می‌شود، آگاه است و خداوند تمام راهنمایی‌های خود را در قالب دین برای بشر انجام داده است؛ بنابراین دین مهم‌ترین منبع هویتی برای هدایت طراحان است و هویت دینی به بهترین شکل می‌تواند پاسخ پرسش‌های دانش‌آموزان برای نیل به سعادت را بدهد. (روشنایی، ۱۳۹۶: ۹) پاسخی که می‌تواند جایگاه دانش‌آموزان را در عرصه زندگی تعیین نموده و جهت‌گیری‌های او را در طول زندگی، چه در عرصه فردی و چه در عرصه اجتماعی روشن سازد و با توجه به هویت شکل گرفته، به رفتار و اعمال و افکارش رنگ و بوی ویژه‌ای ببخشد. (احدی و جمهری، ۱۳۹۴) با نظر به این مطلب پژوهش حاضر با تمرکز و اصالت دادن به آموزه‌های قرآنی در صدد است به سؤالات زیر پاسخ داده و طراحان برنامه درسی هویت دینی را راهنمایی کند:

- ۱- مظهر حقیقی هویت دینی انسان در قرآن چیست و چه تعریفی دارد؟
- ۲- پیش‌بایست‌های طراحی برنامه درسی مختص هدایت دانش‌آموزان به مظهر حقیقی هویت دینی کدام‌اند؟



مبانی نظری

نقش دین در هویت‌بخشی به انسان

تأثیر‌گذاری و جایگاه دین در هویت‌بخشی به انسان توسط اندیشمندان مختلفی تبیین شده است. در این راستا اریکسون (۱۹۶۸) دین را کهن‌ترین و قوی‌ترین نهادی می‌داند که باعث ظهور و بروز اطمینان و تعهد به یک ایدئولوژی می‌شود که این پایبندی برای شناخت و پرورش هویت، اساسی است. به نظر گوتک (۱۹۹۶)، جهان‌بینی منبعث از دین نه تنها روابط بیرون فردی را تعیین می‌بخشد؛ بلکه حس درونی وجود فرد یا هویت شخص را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. یسلدایک، متسون و انیسمن^۱ (۲۰۱۰) نشان دادند که دین کارکرد قوی و منحصر به فردی را در شکل‌دهی به هویت دارد. اُپنگ^۲ (۲۰۱۳) بین دین، دین‌داری و شکل‌گیری هویت رابطه مثبتی قائل است، از نظر او وجود تعهد و هدفمندی ناشی از پذیرش دین، نقش محوری در هویت‌یابی افراد ایفا می‌کند. در نگاه اُپنگ هویت دینی توسعه خودآگاهی از طریق نقش ابزاری گزاره‌های دینی است. فانهو^۳ (۲۰۱۹) اعلام می‌دارد که اعتقادات و باورهای دینی هویت انسان را شکل می‌دهند؛ و اما الهی‌گمشته‌ای (۱۳۷۷) در زمینه‌ی الهی بودن هویت انسان چنین می‌گوید که: «اصولاً در این عالم یک هویت بیشتر نداریم و آن هویت، وجود خداوند می‌باشد. در زمان قدیم تمام عیار را وجود خداوند می‌دانستند و نور خداوند را هویت می‌خواندند. در چنین حالتی نور عین زیبایی است و خداوند برای آن که نور و زیبایی خود را نشان دهد، هویت‌های مادی که متفاوت نیز هستند را به وجود آورده است. هویت‌ها اساساً هویت خدا هستند». علوی (۱۳۹۹) در تأثیر‌پذیری هویت از دین و منشأ آن یعنی خداوند سبحان، اعتقاد دارد که اگر ما هویت را یک نوع احساس تمایز شخصی یا احساس استقلال شخصی و شخصیتی بدانیم و آن را در معنای یک صفت جوهری و ذاتی برای خودمان فرض کنیم، می‌توانیم هویت دینی را همین احساس تمایز شخصی به واسطه‌ی دینمان و همین احساس بودنمان و احساس شخصی و شخصیتی مان را به واسطه‌ی دینمان معنا کنیم؛ یعنی من چقدر احساس بودن می‌کنم؟ چقدر احساس وجود می‌کنم؟ در پرتو دینم چقدر احساس شخصیت و اعتبار می‌کنم؟ وقتی نگاه انسان به سمت خداوند باشد، همه کارهای انسان اخروی هستند و همه کارهای انسان عبادی هستند. بدون او، احساس وجود نمی‌کنم. بدون او، نه این‌که

1. Ysseldyk, Matheson & Anisman

3. Fanhao

2. Oppong



بگویم خودم را تنها می‌بینم، خودم را نمی‌بینم، چون ما از او جدا نیستیم. او با خود من هست، در من هست، از رگ گردن هم به من نزدیک‌تر است و نزدیک‌ترین. این من هستم که احساس دوری می‌کنم از او به خاطر کارهای غیرالهی یا غیرفطری، غیرذاتی و غیراصیلی که انجام می‌دهم. انسان دارای هویت دینی، ذات خودش را با ذات خدا، یگانه می‌بیند؛ لذا خدایی شده، خدایی فکر کرده و خداگونه زندگی می‌کند. مرکزیت دین در هویت‌یابی انسان در اسناد تحولی آموزش و پرورش نیز ملموس است. به‌طور مثال مبانی اساسی فلسفه تربیت در سند تحول آموزش و پرورش (۱۳۹۰: ۴ و ۴۷)، دین‌محوری را ویژگی اصلی برای تکوین و تعالی هویت دانش‌آموزان تا رسیدن به مراتبی از حیات طیبه تلقی کرده‌است. هم‌چنین در جدیدترین اهداف مصوب (۱۳۹۷: ۵) ذیل ساحت تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی این‌گونه قصد شده که دانش‌آموز با شناخت کلی نظام معارف دینی و چگونگی تأثیر آن بر انتخاب‌ها و تصمیم‌ها در زندگی، توانایی شکل‌دهی به هویت خود را کسب‌کند.

جایگاه برنامه درسی در هویت‌بخشی دینی به دانش‌آموزان

از نگاه ما برنامه درسی طرح تربیت است که در آن بخشی از فرصت‌ها و شرایط مناسب و منسجم برای رشد همه‌جانبه از قبل پیش‌بینی می‌گردد و بخشی نیز در تعاملات یادگیری پدید می‌آید. در راستای جایگاه برنامه درسی در هویت‌بخشی دینی به دانش‌آموزان هیوبنر^۱ (۱۹۸۷) در مقاله «تمرین حضور خدا»، مک‌دونالد (۱۹۹۵) در کتاب نظریه به‌عنوان عملی معنوی و مقدس، فینیکس^۲ (۱۹۷۵) در کتاب تعالی و برنامه درسی، پورپیل (۱۹۸۹) در کتاب بحران اخلاقی و معنوی در آموزش و پرورش و اسلاتری^۳ (۱۹۸۹) در رساله دکتری خود با عنوان «به‌سوی نظریه برنامه درسی فرجام شناسانه» معتقدند برنامه درسی را می‌توان به‌مثابه متنی الهیاتی در نظر گرفت که غایتش تربیت دانش‌آموزانی است که از طریق دین، هویت خود را می‌شناسند و به شکوفایی آن اقدام می‌کنند. نیلسن، آربر و وینمن^۴ (۲۰۱۷)، آورامویچ^۵ (۲۰۱۶)، ریسنن (۲۰۱۴)، ویسروگل، وسترینگ، جانکه، بارنارد و بکر^۶ (۲۰۱۲)، وانگ (۲۰۱۲)، فالت، بیسو و ورکاوتن^۷ (۲۰۱۰)، ویلیامز (۱۹۹۹) و کنراد و توپفر^۸ (۱۹۹۲) نیز نظر بر آن دارند که

1. Huebner
2. Phénix
3. Slattery

4. Neilsen, Arber & Weinmann
5. Avramović
6. Visser-Vogel, Westerink, Janneke, Barnard, Bakker

7. Phalet, Baysu, Verkuyten
8. Conrad, Toepfer



برنامه درسی توان و ظرفیت زیادی در تکوین و تعالی هویت دینی دانش‌آموزان دارد. فضلی (۱۳۹۸: ۸) اشاره می‌کند که تربیت کودکانی که در آینده هویت منسجم داشته باشند، کسانی که خودشان و دیگران را بپذیرند و به ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و دینی‌شان پایبند باشند، به حقوق دیگران احترام بگذارند و ثبات و پیوستگی و پویایی را در درون خود درک کنند، نیازمند برنامه‌ریزی منظم است. ساداتی (۱۳۹۰: ۱۳۴-۱۳۳) هم معتقد است که در تفکر اصیل ادیان الهی چه در تبیین اصول نظری و چه ارائه‌ی شیوه‌های عملی، نهادینه‌سازی ارزش‌ها در وجود آدمی آن‌گونه که با ضمیر و ذات او عجین گردد و خاستگاه بروز و ظهور رفتار بهنجار و احسن‌گردد، از طریق داشتن برنامه‌های تزکیه‌ای و تربیتی درست و به‌جا در فرایند تربیت (جذب، آموزش، تثبیت) میسر است. وقتی زوایای زندگی انبیاء و اولیاء و صلحا در طول تاریخ به‌ویژه در متون و حیانی و مصون از تحریف، مورد بازبینی دقیق قرار می‌گیرد، این حقیقت به‌خوبی آشکار می‌شود که عبودیت به‌عنوان شاخصه اصلی هویت دینی اگرچه ریشه در فطرت همه بنی‌آدم دارد، اما ظهور و بروز حقیقت آن ریشه در عناصر اساسی سازنده هویت چون تربیت انسان‌ها دارد. همچنان که در انسان‌های شایسته که به تعبیر قرآن به کسوت «مخلصین، متقین، مؤمنین» درمی‌آیند، این مختصات حاصل تمرین و تدریج در تربیت و نیز حاصل تقویم و تثبیت آن در مراحل مختلف زندگی است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ رویکرد در زمره تحقیقات کیفی و از لحاظ روش، تحلیلی - استنباطی بوده، منبع آن در سؤال اول آموزه‌های اسلامی و نیز نظرات اختصاصی گروه نویسندگان و در سؤال دوم ترجمه تفسیر المیزان است. کیفیت پاسخ‌گویی به سؤال اول حاصل برداشت‌های تیم نویسندگان و آموزه‌های اسلامی بوده است. در سؤال دوم هم ابتدا به مطالعه عمیق در مورد عبودیت و لوازم آن در تفسیر المیزان پرداخته شد، سپس داده‌های به دست آمده تلخیص گردیدند و پیش‌بایست‌های اصلی و فرعی استخراج شدند، در آخرین مرحله هم بین داده‌های به دست آمده هماهنگی ایجاد شد و خروجی آن چارچوب مفهومی بدیع از پیش‌بایست‌های برنامه‌های درسی مبتنی بر مظهر حقیقی هویت دینی انسان شد. استنباطی بودن روش به خاطر این است که چنین چارچوب مفهومی در المیزان وجود نداشت و این تفسیرها و استنتاج‌های تیم نویسندگان بود که به آن روح و فرمت خاصی داد تا قابل‌ارائه به اهل علم باشد. برای کنترل اصالت و



معتبر بودن استنباطها و تحلیلها نیز از دو نفر متخصص مطالعات برنامه درسی و سه نفر متخصص تفسیر و علوم قرآن با مدرک تحصیلی دکتری دانشگاهی و سطح چهار حوزوی استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

۱- مظهر هویت دینی انسان در قرآن و چستی آن

اگر در دین‌داری یک کنش ارتباطی سه‌بعدی «خدا، خود و نفس اماره» را در نظر بگیریم، هویت دینی برمی‌گردد به این‌که انسان این ارتباط سه‌بعدی را چگونه انجام می‌دهد. به هر میزانی که آگاهی انسان از عناصر و ابعاد رابطه و خود رابطه بیشتر شود سطح دین‌داری او افزون‌تر می‌گردد و همین امر کمک می‌کند که فرد هویتش را بشناسد. به‌عنوان مثال فردی به این مرحله می‌رسد که پیروی از هوای نفس امر ارزشمندی نیست که عمرش را خرج آن کند یعنی معنویت بالاتری هست که جسم او را به وجود می‌آورد؛ لذا باید از هوای نفس بُرد، خدایی شود و اطلاعات از خدا را در اولویت قرار دهد. فرد در مراحل پیشرفته، خدا را موجودی مستقل و خود را موجودی وابسته می‌بیند، یعنی منیّتی در خود نمی‌بیند و بر آن هست که «من» فقط خداست؛ به این نتیجه می‌رسد که یک وجود بیشتر نیست و درواقع همه افعالی که انجام می‌دهد از نیرو و قوت الهی ریشه می‌گیرد [لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ] و درنهایت نیز همه آثار به خدا بازمی‌گردد [إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ]. این انسان، فردی با هویت دینی است که کم‌کم به این سطح می‌رسد که خود را جز اراده و خواسته الهی نمی‌بیند و نفس اماره از معادله‌اش خارج می‌شود یا مهارشده در دست اوست. در اصل اعتقاد انسان با هویت دینی آن است که او در جهانی زندگی می‌کند که حقیقتی واحد و ذومراتب داشته و بیرون از ذهن آدمی است و آن حقیقت واحد هم خداست. پس هویت دینی وقتی کشف و شکوفا می‌شود که انسان با شناخت خدا و محبت به او خودش را بنده و مطیع بداند. در نتیجه هویت دینی عین الربط بودن، در محضر خدا بودن، نوعی ابراز (دل دادن مبتنی بر شناخت) عبودیت و استوارسازی زندگی براساس رضایت الهی است. حال که تعریف مختار، ما را به این نکته هدایت می‌کند که «عبودیت» شاخص و مظهر اصلی هویت دینی انسان است، بهتر است قدری در مورد حقیقت آن بحث شود. در این مورد باید گفت که عبودیت از واژه عبد که در لغت به معنای مملوک است، گرفته شده (الفراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲: ۴۸) یعنی موجودی که اصل وجود و تمام

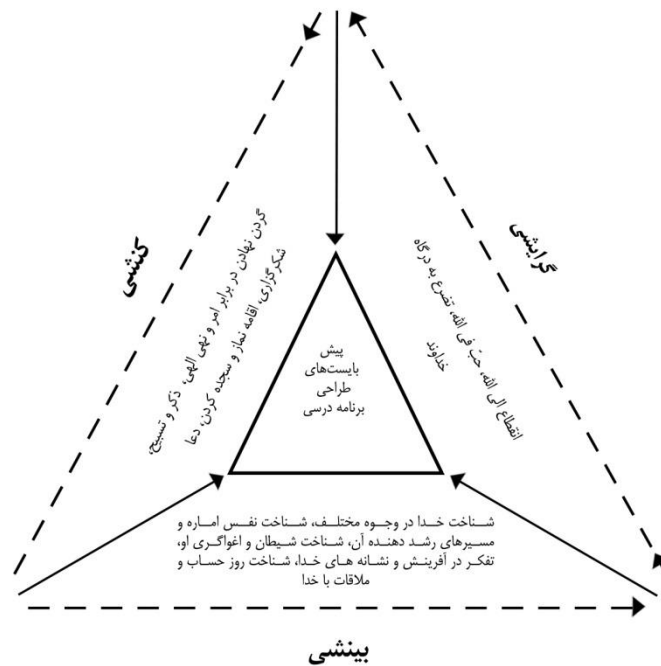
متعلقات او از آن دیگری است و از خود هیچ ندارد. در اصطلاح فرهنگ دینی و قرآنی نیز به انسان از آن جهت عبد گفته می‌شود که تمام شئون وجودش مملوک خداست. راغب در مورد واژه «عبد» می‌گوید: «اظهار فرمان‌برداری و نهایت فروتنی و طاعت است و تنها کسی شایسته پرستش است که نهایت کمال و فضیلت از اوست». قرآن در این زمینه دستور می‌دهد که: «أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» جز او کسی را نپرستید. یا در سوره حمد عبودیت را تنها برای خدا دانسته و در آیه ۵ از زبان مؤمنان می‌فرماید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» تنها تو را می‌پرستیم و به جز تو نجویم یاری ز کس. در بخشی از حدیث عنوان بصری پیرامون حقیقت عبودیت اشاره شده است که امام صادق (ع) فرموده‌اند: «حقیقت عبودیت سه چیز است: این‌که بنده خدا برای خودش درباره آنچه خدا به وی سپرده است ملکیتی نبیند؛ چراکه بندگان دارای ملک نیستند، همه اموال را مال خدا می‌بینند و در آنجایی که خداوند ایشان را امر نموده است که بنهند، می‌گذارند؛ و این‌که بنده‌ی خدا برای خودش مصلحت‌اندیشی و تدبیر نمی‌کند؛ و تمام مشغولیاتش در آن منحصر می‌شود که خداوند او را به چه امر نموده است و یا از چه نهی فرموده است. بنابراین، اگر بنده‌ی خدا برای خودش ملکیتی را در آنچه خدا به او سپرده است نبیند، انفاق نمودن در آنچه خداوند متعال به آن امر کرده است بر او آسان می‌شود و چون بنده خدا تدبیر امور خود را به مدبرش بسپارد، مصائب و مشکلات دنیا بر وی آسان می‌گردد و زمانی که اشتغال ورزد به آنچه را که خداوند به وی امر کرده و نهی نموده است، دیگر فراغتی از آن دو امر نمی‌یابد تا مجال و فرصتی برای خودنمایی و فخر نمودن با مردم پیدا نماید» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۲۲۴). علامه طباطبائی (ره) در تفسیر شریف المیزان درباره عبودیت نوشته است که: «معنی حقیقی عبودیت این است که انسان خود را به خضوع و بندگی وادار کند و توجهش را به سوی خدا متوجه نماید. عبودیت غرض‌نهایی خلقت است و بنده باید خود را از اسارت و قیدوبند هر چیزی آزاد کند و متوجه و متذکر پروردگار خویش گردد» (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۸۸). در مجموع می‌توان گفت عبودیت آن است که انسان برای خود و مجموعه نظام هستی، یعنی ماسوی الله، شأنی جز عبودیت باری تعالی و فنا بودن خود قائل نباشد و به این نتیجه برسد که انسان (عبد) قادر بر هیچ‌چیز نیست و با همه‌ی آنچه در اختیار دارد وابسته به مبدأ و منتهای هستی یعنی خداست.



۲- پیش‌بایست‌های طراحی برنامه درسی مختص هدایت دانش‌آموزان به مظهر حقیقی هویت دینی

جمع‌بندی ما از نظر علامه طباطبائی (ره) در تفسیر المیزان این است که مظهر حقیقی هویت دینی یا به عبارت بهتر «عبودیت»، در صورتی در دانش‌آموز تحقق پیدا می‌کند که اولاً به عبد بودن خود اعتقاد داشته باشد ثانیاً به لحاظ قلبی با آن ارتباط بگیرد و ثالثاً در مقام عمل براساس آن اعتقاد و ارتباط قلبی به مملوکیت و بنده بودن عمل و رفتار نماید؛ لذا پیش‌بایست‌های برنامه‌های درسی مورد نظر ما در راستای سه وجه بینشی، گرایشی و کنشی توصیه شده‌اند. این پیش‌بایست‌ها که مدار حرکتی آنها بر محور توحید است؛ ابتدا از تفکر شروع می‌شوند و سپس با ضمیر و قلب درمی‌آمیزند و در نهایت در جوارح متجلی می‌شوند. در این باره باید گفت که به طور طبیعی انسان تا چیزی را نشناسد و در آن حسن و جمالی نیابد، به آن حس خوبی پیدا نمی‌کند و آن را دوست نخواهد داشت؛ زیرا دوست داشتن، امری ادراکی و پایه آن، معرفت است. به عبارتی گرایش بدون بینش دوامی ندارد. هم‌چنین هرچقدر معرفت انسان بیشتر، زنده‌تر و کارآمدتر باشد، تأثیرش بر عمل انسان بیشتر خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۹). صفائی حائری (۱۳۹۰، ج ۱: ۶۹-۶۸) در کتاب *مسئولیت و سازندگی* به رابطه بین بینش، گرایش و کنش این‌طور اشاره می‌کند که: «با تفکر و تجربه انسان‌ها به شناخت می‌رسند. تفکر سنگ اول رشد انسان و زیربنای تربیت او سرنخ این کلاف سردرگم است. ادامه تفکر شناخت است و ادامه شناخت، محبت است و ادامه محبت، حرکت و عمل و آزادی و رشد و تکامل و آدم شدن و انسان شدن». برزگر (۱۳۸۹: ۴۸) به این نتیجه رسیده که بینش، گرایش و کنش ابعاد انسانی است که متعلق به ذهن، قلب و اعضاء و جوارح هستند؛ لذا آموزش عقاید، اخلاق و احکام اسلامی باید با در نظر گرفتن آنها انجام شود. در مورد اتکاء رفتار بر گرایش‌ها و عواطف، سجادی (۱۳۹۰) نظر بر آن دارد که معبر رفتار در آدمیان روان آگاه و کشش‌های عاطفی است؛ هم‌چنین قاسم‌زاده (۱۳۷۸: ۷) در کتاب *شناخت و عاطفه* این‌طور نوشته است: «هر رفتاری باید جنبه عاطفی داشته باشد تا به وقوع بپیوندد. رفتار از انگیزه برمی‌خیزد، انگیزه بدون عاطفه از نیروی لازم برای حرکت برخوردار نخواهد بود». در راهنمای برنامه درسی قرآن و تعلیمات دینی دوره‌های راهنمایی تحصیلی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی (۱۳۹۰) این‌طور آمده که در پرورش روحیه تعبد، تعقل و تعلق قلبی باید نگاهی توأم با توازن داشت. طبق این راهنما سه بعد مذکور نه تنها با یکدیگر تنافر ندارند، بلکه مکمل و

متمم یکدیگرند و به میزانی که انسانی به کمال برسد، توانایی او در جمع این سه پیش‌بایست افزایش می‌یابد و تعبد او در پیشگاه خداوند را ممکن می‌سازد.



شکل شماره ۱: پیش‌بایست‌های طراحی برنامه درسی متناسب با مظهر حقیقی هویت دینی انسان

۲-۱- پیش‌بایست‌های بینشی

تجلی هویت دینی بر معرفت است. بنا به فرمایش امام علی (ع) خطاب به جناب کمیل «هیچ حرکتی نیست جز این که انسان در آن به معرفت و شناخت نیازمند است» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۷: ۲۶۷). پیش‌بایست‌های بینشی برنامه‌های درسی در پی آن هستند که معرفتی را به دانش‌آموز دهند تا براساس آن زیربنای عبودیتش شکل بگیرد. نوری که قدم به قدم و پله به پله ذهنیت و تفکر دانش‌آموز به عنوان یک عبد را به خواسته و هدف معبود نزدیک‌تر می‌کند.

۲-۱-۱- شناخت خدا در وجوه مختلف

بنا به توصیه امام رضا (ع) که فرموده‌اند: «أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ» (ابن بابویه، ۱۳۸۹، ج



۱: (۲۳۳) اولین پیش‌بایست بینشی عبودیت، معرفت و شناخت خداست. بر این اساس، برنامه‌های درسی باید به دانش‌آموز کمک کند تا خدا را در وجوه مختلف بشناسد. وجه اول این شناخت، آن است که برنامه‌ریز درسی هویت دینی دانش‌آموز را به حقیقتی هدایت کند که درک کند خداوند علت، مالک و خالق اوست و او فقیر و عین نیاز و متعلق محض به خداوند است. چنان‌که در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ». (فاطر/۱۵) علامه طباطبائی (ره) (۱۳۸۵، ج ۱۷: ۴۶) در این زمینه نوشته‌اند که: «خدای سبحان غنی بالذات است، او می‌تواند همه انسان‌ها را از بین ببرد، چون از آنان بی‌نیاز است و آنان بالذات فقیرند و نمی‌توانند به چیزی غیر از خدا، از خدا بی‌نیاز شوند». ایشان هم‌چنین در تفسیر آیه «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا» (اعراف/۱۷۲) چنین می‌نویسند که: «انسان هرچقدر هم دچار کبر و غرور شده باشد، نمی‌تواند این معنا که مالک وجود خود نیست را انکار کند؛ این ضعفی است که بر پیشانی هر انسانی نوشته شده است. هر انسانی که از کمترین درک و شعور برخوردار باشد، این واقعیت را درک می‌کند» (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۴۰۱).

وجه دوم شناخت آن است که دانش‌آموز بفهمد خداوند حضور مطلق دارد و هر چه هست از اوست، به اوست و برای اوست، هم‌چنان‌که خودش فرموده: «أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيئَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ، أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ». (فصلت/۵۴) وجه سوم شناخت آن است که دانش‌آموز با صفات حسنه و آیات الهی آشنا شود. به نظر علامه طباطبائی (ره) هر انسانی می‌تواند به اندازه و توانایی عقل خود صفات الهی را بشناسد (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۵۷).

وجه چهارم شناخت خدا آن است که طراحی برنامه درسی به سمتی هدایت شود که حسن الظن بالله را در دانش‌آموز ایجاد کند. دانش‌آموز در این حسن ظن ذوقش به آستان الهی زیاده‌تر می‌شود، به اخلاص در عبودیت می‌رسد، به رحمت و واسعه حق امیدوار می‌شود، در هیچ حال راه را بسته نمی‌بیند و می‌داند که تنها خدا گره‌گشاست. به نظر ما چنین بینش‌هایی لازمه عبودیت حقیقی است.

مطابق با وجه اول و دوم دانش‌آموز می‌فهمد که انسان موجود ممکن است و آنچه برای وجود ممکن تصور دارد صرفاً تقاضا و نیاز است. دیگر این‌که انسان هیچ‌گاه در طول زمان نیاز و فقر ذاتی و حضور دائمی خداوند را از دست نخواهد داد؛ چراکه این نیاز و این نسبت‌ها در ذات انسان نهفته است و ذات انسان قابل‌تغییر یا حذف نیست؛ در نتیجه برنامه درسی‌ای که به دنبال تعالی هویتی است این نکته را به دانش‌آموز تذکر

می‌دهد که حقیقت وجودش وابسته و برگرفته از وجود کامل مطلق و غنی به ذات است و رشدی که در مسیر این حقیقت نباشد جعلی است و به کمال نخواهد انجامید. دلالت وجه سوم بر هویت دانش‌آموز را می‌توان این‌گونه بیان داشت که وقتی دانش‌آموز وجودش را از منبعی که خیر مطلق است و هیچ شری در او راه ندارد ببیند به این حقیقت پی می‌برد که رشد و تعالی گوهر ذات او در صورتی سراسر خیر و ثمربخش خواهد شد که همراه و همگام با آن وجود مطلق که از او سرچشمه گرفته است شود.

۲-۱-۲- شناخت نفس اماره و مسیرهای رشد دهنده آن

همان‌طور که می‌دانیم انسان موجودی است که نفس او در ابتدا نفس اماره نیست، بلکه خداوند تعالی نفس انسان را طوری آفرید که طبق حرکت جوهری که جسمانیه الحدوث است می‌تواند صعود و یا سقوط کند. اگر نفس در امتحان موفق بود و صعود کرد به نفس راضیه، مرضیه و مطمئنه می‌رسد و پله‌های ترقی را شأناً مِنَ الشَّانِ طَى می‌کند. پس نفس انسان موجودی است که قابلیت کمال و ترقی دارد، چرا که خداوند او را به احسن وجه آفریده «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون/ ۱۴)، زمینه کمال را در درون او قرار داده و او را تجهیز کرده «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ» (طه/ ۵۰) و کاشم را هم شیرین گردانده «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس/ ۷-۸)؛ اما همین نفس انسان طبق حرکت جوهری می‌تواند سقوط کند، اگر این نفس در مرحله جمادی، نباتی و حیوانی قدم گذاشت آن وقت دیگر «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف/ ۱۷۹) می‌شود، آن‌طور هم نیست که ابتدا نفس، نفس اماره شود، ابتدا نفس انسان گرایش به سمت حق دارد، حق را هم می‌شناسد، معاینه هم به حق تاله دارد. انسان اختیار دارد وقتی در عالم، شروع به حرکت می‌کند یا مهمانی وارد جان خویش کند که با صاحب‌خانه هماهنگ است که در این صورت صعودش فراهم می‌گردد یا مهمانی وارد صحنه دل کند که با صاحب‌خانه هماهنگ نیست که نفس ملهمه وارد عمل می‌شود و اگر انسان به آن گوش نکند نفس ملهمه ساکت می‌شود و نفس مسوله روی کار می‌آید، این نفس تزیین‌گر، کارها را برای فرد توجیه می‌کند و بعد از این مرحله کار به نفس اماره می‌کشد. آفرینش مادی انسان به گونه‌ای است که اگر به جنبه‌های مادی و حیوانی پردازد، نفس اماره‌اش تقویت می‌شود؛ اما اگر به فطرت خود برگردد و جنبه الهی و ملکوتی و عقلانی خود را شکوفا کند، به نفس مطمئنه نزدیک‌تر می‌شود. نفس لوامه و ملهمه نیز در فرآیند بین حیوانیت و انسانیت همواره فعال و بیدار است و جزو ابعاد روحی و



نفسانی انسان محسوب می‌شود. در اصل نفس اماره بنا به آیه ۵۳ سوره مبارکه یوسف «وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ» به شهوت، غضب و امیال نفسانی امر می‌کند. علامه طباطبائی (ره) ذیل این آیه نوشته‌اند که اگر انسان از دستورات و دعوت نفس اماره سرپیچی کند مشمول رحمت الهی شده و به عمل صالح رهنمون می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۲۷۰-۲۶۹). قرآن درباره قبح تکیه بر نفس اماره می‌فرماید: «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (ص / ۲۶)؛ یا در جای دیگری درباره خدا (اله) قرار دادن هوای نفس اشاره می‌کند که: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ». (جاثیه: ۲۳) علامه (ره) نیز ذیل تفسیر آیه اخیر نتیجه می‌گیرد که مراد از بندگی خدا و اخلاص برای او این است که بندگی را فقط و فقط به خاطر رضای خدا و به منظور تحصیل ثوابت او بیاورد، نه به خاطر پیروی هوای نفس (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۵۶۱). براساس این پیش‌بایست، طراح برنامه درسی دانش‌آموز را به بینشی سوق می‌دهد که نفس اماره را معبود قرار ندهد و با همین کار ظهور صفات حیوانی و شیطانی را در خود کنار بزند. برنامه درسی با در نظر گرفتن این پیش‌بایست می‌تواند فاصله‌ای عمیق میان دانش‌آموز و گناهان ایجاد کند. نکته آخر این‌که عبودیت در دانش‌آموز نیروی بالقوه‌ای است که باید در تضاد بین جنبه الهی و جنبه نفسانی و انتخابی که انجام می‌شود به فعلیت برسد و این درگیری و گزینش میسر نمی‌گردد مگر با بینش‌دهی برنامه درسی که نقشه‌ی یادگیری و طرح منسجم تربیتی دانش‌آموز است.

۲-۱-۳- شناخت شیطان و اغواگری او

از دیگر پیش‌بایست‌های بینشی این است که دانش‌آموز را با شیطان به منزله‌ی عامل و مانعی بیرونی در مسیر بندگی آشنا کند. با توجه به تفسیر المیزان شیطان موجودی است از آفریده‌های پروردگار که مانند انسان دارای اراده و شعور بوده و بشر را دعوت به شر نموده و او را به سوی گناه سوق می‌دهد. این موجود قبل از این‌که انسانی به وجود آید، با ملائکه می‌زیسته و پس از این‌که آدم (ع) پا به عرصه وجود گذاشت وی از صف فرشتگان خارج شده برخلاف آنان در راه شر و فساد افتاد و سرانجام کارش به اینجا رسید که تمامی انحراف‌ها، شقاوت‌ها، گمراهی‌ها و باطلی که در بنی نوع بشر به وقوع می‌پیوندد همه به یک حساب مستند به وی شود. شیطان و اتباع او دارای اثر هستند اثر آنها این است که انسان گمراه شده و به حقیقت عبودیت نرسد. در این باره شیطان در آیه ۸۲ سوره مبارکه ص «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» به عزت پروردگار قسم یاد کرده است که انسان را اغوا می‌کند. علامه طباطبائی (ره) اغوا را از راه به در

کردن انسان در اثر جهل، به گونه‌ای که به چیز دیگری مشغول شود و هدف اصلی را فراموش کند، دانسته است (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۳۲۴). یافته‌های ما نشان می‌دهند که شیطان سعی می‌کند در سرمایه‌های فطری انسان که اساس هویت او را تشکیل می‌دهند خلل ایجاد کند و به او هویتی جعلی و انحرافی بدهد تا از آثار مطلوب توجه به چنین حقیقتی او را باز دارد. خداوند متعال در آیه ۱۱۹ سوره مبارکه نساء به این مسأله اشاره نموده است: «وَلَا تُرْتَبِئْهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا نَأْمِيًّا»؛ جمله اول این آیه اشاره دارد که خداوند در نهاد انسان توحید و یکتاپرستی و هرگونه صفت پسندیده را قرار داده است؛ ولی شیطان سعی دارد انسان را از مسیر شکوفایی آنها منحرف کند. شیطان برای این کار از مسیر عبودیت وارد می‌شود به همین جهت است که خداوند در این آیه از قبول ولایت شیطان پرهیز داده است. در نتیجه اگر برنامه درسی دریچه‌های اصیل معرفتی دانش‌آموز را نسبت به اغواگری‌های شیطان بگشاید، مسیر هویت‌یابی و شکوفایی آن هموار می‌گردد.

۲-۱-۴- تفکر در آفرینش و نشانه‌های خدا

اندیشیدن در آفرینش و نشانه‌های خدا پیش‌بایستی است که اگر در برنامه درسی هویت‌بخش دینی ظهور پیدا کند، می‌تواند عبودیت را موجب گردد، چراکه طبق حدیث شریف امام رضا(ع) «إِنَّمَا الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي أَمْرِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۵۵) فکر کردن در کار خدا و ملکوت آسمان‌ها و زمین طریقی برای عبودیت عبد است. علامه طباطبائی(ره) نیز در مورد تفکر ذیل تفسیر آیه ۱۰ سوره مبارکه ملک «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» تذکر می‌دهند که بدون تفکر انسان مسیر درست را نمی‌شناسد و راه به جایی نمی‌برد (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۵۹۲). ایشان (۱۳۸۵، ج ۴: ۱۴۱) تفکر در خلق خدا و نیز صفات الهی را توصیه کرده و به این فرموده پیامبر اسلام(ص) استناد کرده‌اند که «یک ساعت تفکر و اندیشیدن از شصت سال عبادت کردن بهتر است» (سیوطی، ۱۴۰۴، ق، ج ۲: ۱۱۱). قرآن در آیات دیگری هم با تعبیری چون لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ، لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ، لآيَاتِ لَأُولِي الْأَلْبَابِ و أَفَلَا تَعْقِلُونَ، آدمی را به تفکر در آفرینش و نشانه‌های خدا فراخوانده است. چنین تفکری به دانش‌آموز در راه‌یابی به شناخت و رشد هویت دینی‌اش کمک می‌کند. این تفکر هر چه عمیق‌تر و دقیق‌تر باشد اثر آن بر هویت‌یابی دانش‌آموز بیشتر است. مهم‌ترین درسی که از این قسمت به دست می‌آید این است که در طراحی برنامه درسی به هر میزانی که رازهای آفرینش برای دانش‌آموز هویدا شود همان‌قدر هویت راستین او و جایگاهش در نظام خلقت مشخص‌تر می‌گردد و صراحت پیدا می‌کند.



۲-۱-۵- شناخت روز حساب و ملاقات با خدا

آگاهی بخشی به وجود روز حساب و اعتقاد به ملاقات با خدا آخرین پیش‌بایست بینشی است که می‌تواند در طراحی برنامه درسی مورد توجه قرار گیرد. این پیش‌بایست در قرآن بسیار تأکید شده است (بقره/ ۲۸۱، عنکبوت/ ۶۴، قصص/ ۸۳، توبه/ ۳۸، قیامت/ ۳-۴-۵ و...). تفسیر المیزان برای ضرورت شناخت روز حساب اشاره به آیه ۶ سوره مبارکه انشقاق «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» داشته و بیان کرده که هدف نهایی سیر و سعی و تلاش، خدای سبحان است، البته بدان جهت که دارای ربوبیت است، یعنی انسان بدان جهت که عبدی است مریوب و مملوک و مدبر و در هر حال تلاشش به سوی خدای سبحان است دائماً در حال سعی و تلاش و رفتن به سوی خدای تعالی است، بدان جهت که رب و مالک و مدبر امر اوست، چون عبد از نزد خود مالک چیزی نیست، نه اراده و نه عمل، پس او باید اراده نکند مگر آنچه پروردگارش اراده کرده باشد و انجام ندهد مگر آنچه را که او دستور داده باشد، پس بنده در اراده و عملش مسؤول خواهد بود. از اینجا معلوم شد اولاً: جمله «إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ» خود حجتی است بر معاد، برای این که توجه فرمودی ربوبیت خدای تعالی تمام نمی‌شود مگر با عبودیت بندگان و عبودیت هم تصور ندارد مگر با بودن مسؤولیت و مسؤولیت هم تمام نمی‌شود مگر با برگشتن به سوی خدا و حساب اعمال، این نیز تمام نمی‌شود مگر با بودن جزا؛ و ثانیاً معلوم شد منظور از ملاقات پروردگار منتهی شدن به سوی اوست، یعنی به جایی که در آن هیچ حکمی نیست جز حکم او و هیچ مانعی نیست که بتواند از انفاذ حکمش جلوگیری کند (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۴۰۲). چنین پیش‌بایستی اگر در طراحی برنامه درسی ظهور پیدا کند مسؤولیت، پویایی و حرکت را قرین دانش‌آموز می‌کند و نشان می‌دهد کمال هویت او وابسته به اینهاست که منتهی به سوی خدا می‌شود. به هر نسبتی مسؤولیت‌پذیری و تکلیف‌گرایی در دانش‌آموز بیشتر شود این سیر تعالی برای هویت شدیدتر می‌گردد.

۲-۲- پیش‌بایست‌های گرایشی

بینش شکل‌گرفته در مرحله قبل موجب ایجاد زمینه‌ای می‌شود که دل نورانی گردد و یا حسی درونی و عاطفی نسبت به باورها و ارزش‌های دینی در دانش‌آموز ایجاد شود. در میزان به بندگی درونی انسان اهمیت ویژه‌ای داده شده و آن حالاتی است که در قلب نسبت به معبود ایجاد می‌شود (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۵۷۰). بر طبق این نظر دومین پیش‌بایست برنامه‌های درسی با محوریت عبودیت، گرایشی و عاطفی است. از نظر ما گرایش‌ها اموری هستند که محرک رشد، بالندگی، تکامل و تعالی هویت دینی دانش‌آموز می‌شوند.



۲-۲-۱- انقطاع الی الله

مطابق اولین پیش‌بایست‌گرایشی، برنامه درسی باید بتواند به صورت قلبی، به اختیار و از روی مجاهده با نفس در دانش‌آموز نوعی دل‌گسستگی از غیر خدا ایجاد کند. در نگاه قرآنی علامه طباطبائی (ره) بر انسان لازم است که همواره به یاد خدای خود باشد و لحظه‌ای فراموشش نکند چون خدای سبحان غایت است و انسان عاقل، غایت را از یاد نمی‌برد؛ زیرا می‌داند که فراموش کردن آن باعث از یاد بردن راه است (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۱۶۵-۱۶۳). این مفسر والا مقام ذیل محدود کردن پرستش و بندگی به خداوند اشاره می‌کنند که: «تنها خدای تعالی را باید بندگی نمود و از ساحت ربوبی‌اش پا به جای دیگر فرانگذاشت، چون خداست که دعای مضطربین را در وقتی که بخوانندش اجابت می‌کند اوست که حاجت‌های بندگان را می‌داند و از احتیاجاتش غافل نمی‌شود و در علم به حوائج بندگان اشتباه نمی‌کند» (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۷۶-۷۴). علامه (ره) هم‌چنین ذیل آیه ۵۰ سوره مبارکه ذاریات «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ»، مراد از فرار کردن به سوی خدا را انقطاع الی الله از طریق دست برداشتن از کفر، گریزان بودن از عقاب کفر و متوسل شدن به ایمان خدای تعالی دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۵۷۴). در اندیشه قرآن یکی از عوامل سوگیری‌گرایشی در انسان توجه به دنیاست. دانش‌آموزی که دلش مملو از حب دنیاست از ابزار دنیا استفاده می‌کند و به آنها خو می‌گیرد و خود را فریب می‌دهد. آموزه‌های مرتبط با انقطاع الی الله به برنامه درسی روحی می‌دهد که به دانش‌آموز کمک کند تا در مسیر هویت‌یابی خود از هرگونه تعلق به جسم و مشتهیات آن پرهیز کند چراکه ادراک او از حقیقت وجودش را ضعیف‌تر می‌کند.

۲-۲-۲- حبّ فی الله

حبّ فی الله پدیده‌ای است که در عالم سریان و جریان دارد اما علامه طباطبائی (ره) ذیل آیه «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره/ ۱۶۵) اشاره می‌کند کسانی که به خدا ایمان آورده‌اند نسبت به او محبت شدید دارند. از نظر ایشان حب عبارت است از تعلق و ارتباط وجودی بین محب و محبوب و یا به عبارتی انجذاب بین علت مکمل و یا شبیه به آن و بین معلول مستکمل و یا شبیه به آن. از نظر این مفسر بزرگ خدای سبحان از هر جهت اهلیت محبوب شدن را دارد؛ برای این که هستی او بذات خودش است نه عاریتی و کمال او غیرمتناهی است، درحالی که هر کمال دیگری متناهی و محدود است و متناهی وجودش متعلق است به غیرمتناهی و این حبی است ذاتی که محال است از بین برود و نیز خدای تعالی خالق ماست و بر ما انعام می‌کند، آن هم به نعمت‌هایی که



غیرمتناهی است، هم از نظر عدد و هم از نظر زمان، به همین جهت او را دوست می‌داریم، همان طور که هر منعم دیگر را، به خاطر انعامش دوست می‌داریم. البته علامه (ره) توضیحی هم می‌دهند که خدای سبحان بدین جهت که خود را دوست می‌دارد، خلق خود را دوست می‌دارد و اگر خلق خود را دوست می‌دارد بدان جهت است که هدایت او را می‌پذیرند (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶۲۱-۶۲۰). حبّ و ارتباط قلبی در عبودیت مشروط به آن است که انسان واقعاً خدا را بخواهد و مصمم در این مسیر حرکت کند. برای این کار انسان باید قلب خود را به گونه‌ای آماده سازد که یاد خدا در همه احوالات و زمان‌ها در دلش همانند نوری روشن بدرخشد. مطابق با این پیش‌بایست در برنامه درسی، از آنجایی که دانش‌آموز ذات خود را دوست دارد وقتی حقیقت این ذات را وابسته و متعلق به خدا ببیند خدا را هم دوست خواهد داشت و به متعلقات و لوازم آن پایبند خواهد شد، نیز وقتی دانش‌آموز درک کند خداوند مخلوقاتش را دوست دارد از آن جهت که خود را دوست دارد محبتی مضاعف به خدا پیدا خواهد کرد و به دنبال انس با این محبوب خواهد شد که در نتیجه به تعالی او منجر می‌شود.

۲-۲-۳- تضرع به درگاه خداوند

تضرع به درگاه خداوند پیش‌بایست دیگری در برنامه درسی هویت‌بخش دینی است که می‌تواند دانش‌آموز را به حقیقت عبودیت واقف سازد. در ارتباط با تضرع که امری قلبی و احساسی است در تفسیر المیزان (ج ۸: ۱۹۸) آمده که از «ضراعت» و به معنای اظهار ضعف و ذلت است. وقتی خدای تعالی در مسأله خلقت و تدبیر شریکی ندارد پس بر هر بنده‌ای لازم است که تنها او را بخواند و او را بندگی کند و دینی را اتخاذ نماید که موافق با ربوبیت انحصاری او باشد و بهتر است اگر می‌خواهد نتیجه‌ای بگیرد به تضرع روی آورد: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِلِينَ» (اعراف/ ۵۵). در آیات قرآن تعبیر یتضرعون (انعام/ ۴۳ و ۴۲، اعراف/ ۹۴، مؤمنون/ ۷۶) آمده و نشان می‌دهد خداوند متعال انسان‌ها را به گرفتاری و بلا مبتلا می‌کند تا این حالت تضرع را پیدا کنند و در نتیجه به بندگی خدا روی آورند و ولایت خدا را و دین خدا را بپذیرند که از نتایج این تضرع شناخت نسبت خود با خدا و نیاز مطلق بودن انسان است که در غالب عبودیت تجلی می‌یابد و در نتیجه حقیقت اصیل انسان را به او باز می‌شناسد و آن را شکوفا می‌کند. این پیش‌بایست اگر در طراحی برنامه درسی مورد توجه باشد می‌تواند نوعی «بلوغ و رسش معنوی» را در دانش‌آموز به وجود بیاورد.

۲-۳- پیش‌بایست‌های کنشی

پیش‌بایست‌های کنشی، در رفتار و عمل دانش‌آموز تجلی می‌یابد. این پیش‌بایست‌ها زمینه را برای دانش‌آموز فراهم می‌کند تا از بینش و گرایش خود بهره‌مند شده و به تعالی هویت دینی برسد. پیش‌بایست‌های کنشی منحصر در موارد ذیل نیست بلکه دامنه وسیع‌تری دارد لکن موارد بیان‌شده استقرایی است که در نگاه قرآنی علامه طباطبائی (ره) از اهمیت بالاتری برخوردار بوده‌اند.

۲-۳-۱- گردن نهادن در برابر امر و نهی الهی

این پیش‌بایست در برنامه درسی براساس آیه «الَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (تغابن/ ۱۳) انتخاب و معرفی می‌شود. علامه طباطبائی (ره) نوشته‌اند که این آیه در مقام بیان علت و جوب اطاعت خداست. توضیح این که اطاعت که عبارت است از گردن نهادن در برابر اوامر و نواهی مولی، خود یکی از شئون عبودیت و بردگی برای مولی است. علامه توکل موجود در آیه را نیز اطاعت دانسته‌اند و نظر بر آن دارند که اطاعت بنده از پروردگار این است که اراده خود را تابع اراده پروردگارش کند و عملی هم که می‌کند همین جنبه را داشته باشد (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۵۱۵-۵۱۴). این نوع تسلیم اراده که از فهم نسبت بین انسان و خدا حاصل می‌شود، انسان را از خودپرستی بازمی‌دارد؛ و از آنجاکه انسان پرستی و نگاه اومانیستی به حقیقت انسان تضادی مهم و حیاتی با عبودیت ایجاد و در نتیجه هویت جعلی برای انسان به ارمغان می‌آورد؛ لذا توجه به آن ضرورت خاصی در طراحی برنامه درسی دارد. به‌ویژه که افت مکاتب تربیتی با رویکرد مادی در حال حاضر به دلیل حذف یا کم‌رنگ شدن حضور خداوند است. از جمله اوامر مهمی که در پیش‌بایست «گردن نهادن در برابر امر و نهی الهی» ضرورت دارد و باید در طراحی برنامه درسی به آن توجه شود، اطاعت از انبیاء و امامان معصوم (ع) است. علامه طباطبائی (ره) براساس جمله وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا يُفَرِّقُونَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» به ضرورت اطاعت مؤمنان از انبیاء پرداخته است (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۶۷۹ و ج ۲۰: ۴۰). هم‌چنین در تفسیر آیه ۵۹ سوره مبارکه نساء «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، اولی الامر را همان فرد فرد معصومین (ع) که یکی پس از دیگری زمام امور مسلمین را به دست می‌گیرند دانسته و اطاعت از آنان را جزو اهداف بندگی معرفی می‌کنند (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۶۲۴).



۲-۳-۲- ذکر و تسبیح

ذکر، یاد خدا و توجه به حضور در محضر الهی و تسبیح و پاک و منزّه دانستن خداست. علامه طباطبائی (ره) در تفسیر آیات ۴۱ و ۴۲ سوره مبارکه احزاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا»؛ اشاره دارد که کلمه «ذکر» به معنای به یاد داشتن بوده و عبارت است از این که آدمی نیروی ادراک خود را متوجه یاد شده کند. در نظر ایشان با توجه به «وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» کلمه «تسبیح» به معنای منزّه داشتن، «بکره» به معنای اول روز و «اصیل» به معنای آخر روز و بعد از عصر است. در این زمینه علامه می‌نویسند که اگر خداوند متعال تسبیح را مقید به «بکره» و «اصیل» کرده، برای این است که این دو هنگام، هنگام تحول احوال افق است، در صبح، افق تاریک روشن می‌شود و در غروب دوباره رو به تاریکی می‌گذارد و این تغییر و دگرگونی مناسب با این است که خدای را منزّه از تغییر و تحول و معرض دگرگونی دانست (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۴۹۲). آنچه مورد نظر علامه بوده و محققان مقاله حاضر هم بر آن تأکید می‌کنند این است که ذکر متعلق به تمامی حالات بوده و مانع فروافتادن در ظلمت‌ها، فراموشی و غفلت نسبت به خداوند می‌شود به طوری که انسان دارای هویت دینی با ذکر و تسبیح خود در همه زمان‌ها خدا را حاضر و ناظر بر اعمال خود می‌داند. پس طراح برنامه درسی مطابق با این پیش‌بایست باید بکوشد تا از ضرورت و چگونگی ذکر و تسبیح برای دانش‌آموز بگوید و او را طوری تربیت کند که بتواند این عمل را براساس بصیرت و باور حقیقی از خود نشان دهد.

۲-۳-۳- شکرگزاری

شکرگزاری پیش‌بایستی است که دانش‌آموز را به درجه‌ای خالص از عبودیت می‌رساند و تصویری از فقر و وابسته بودنش را در مقابل خداوند متعال ترسیم می‌کند. براساس آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (بقره/ ۱۷۲)، علامه طباطبائی (ره) اشاره کرده‌اند که شکرگزاری از جمله ملزومات عبودیت است (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶۴۵). علامه ذیل آیه «ذُرِّيَّةً مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا» (اسراء/ ۳)؛ نوشته است که حضرت نوح (ع) با قیام به هدایت، ارشاد و طریقه دعوت به توحید، شکر نعمت‌های خدا را به جای آورده و عبودیت خود را نسبت به خدا خالص کرده [بنا به نظر علامه شکر حقیقی ملازم با اخلاص در عبودیت است] خدای تعالی هم شکر خدمت او را گذارده و سنت او را تا بقاء دنیا بقاء داده و در همه عوالم بر او سلام کرده و تا روز قیامت در هر کلمه طیب و عمل صالحی که از

نسل بشر سر بزند او را شریک در اجر نموده چنان که خود فرموده: «وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمْ الْبَاقِينَ، وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ، سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ، إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (صافات/ ۹۷)؛ بنابراین، آیه مورد بحث در این جمله خلاصه می‌شود که خداوند نوح(ع) را به خاطر این که بنده‌ای شکور بود پاداش داد، دعوتش را باقی گذارد و سنتش را در ذریه آنها که در کشتی با او بودند اجرا نمود، مثلاً برای موسی(ع) که یکی از ذریه‌اش بود کتاب نازل کرد و آن را مایه هدایت بنی‌اسرائیل قرار داد (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۴۷). به نظر می‌رسد که شکرگزاری در شناخت و پرورش هویت انسان این‌گونه نقش داشته باشد که می‌فهمد فقیر مطلق بوده و همه نعمت‌ها از فضل بی‌نهایت خداست فلذا باید او را شکرگزار باشد. حال این شکرگزاری می‌تواند زبانی، قلبی و یا رفتاری باشد. شکر در نوع رفتاری که مراد برنامه درسی ماست انجام تکلیف نسبت به آن نعمات است.

۲-۳-۴- اقامه نماز و سجده کردن

حقیقت نماز و به‌ویژه سجده در برابر ذات اقدس الهی اظهار عهد بندگی است و از جمله پیش‌بایست‌هایی است که مستقیماً دانش‌آموز را وارد صحنه بندگی می‌کند و نشان از عمق ارادت اوست. علامه طباطبائی(ره) در تفسیر آیه ۳۷ سوره مبارکه نور «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»؛ نماز و زکات را ذکر عملی می‌داند که یاد خدا را در انسان زنده می‌کند و مانع غفلت او می‌شود (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۱۷۷). ایشان هم‌چنین در تفسیر آیه «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه/ ۱۴) آورده‌اند که نماز از هر عملی که خضوع عبودیت را ممثل کند و ذکر خدای را به قالب درآورد، آن چنان که روح در کالبد قرار می‌گیرد، بهتر است. فلذا حاصل معنایش این است که بندگی من را با عمل نماز تحقق بدهد (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۱۹۵). بالاخره در توضیحات آیه «فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا» (نجم/ ۶۲) نوشته‌اند که معنای آیه آن است که باید برای خدا سجده نموده و تنها او را پرستید (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۸۲). برنامه درسی ترویج‌دهنده نماز و ایجادکننده حالت سجده در مقابل ذات اقدس الهی به دانش‌آموز با هویت دینی می‌فهماند که به یاد خدا باشد چراکه اصل و حقیقت وجودی او آنجاست. نماز، متصل‌کننده دانش‌آموز به اصل و ریشه‌اش و به ارمغان آورنده اطمینان و آرامش قلبی برای اوست. دیگر اثر نماز و سجده بر هویت دانش‌آموز آن است که غنای معبود و فقر خویش را نشان می‌دهد و سبب می‌شود ضمن محو شدن در عظمت و جلال الهی خود را به دریای بیکران قدرت خداوندی پیوند زند و اصلش



را به نور کامل متصل کند. نماز توأم با اخلاص به شناخت هویت در دانش آموز می انجامد، آنجا که در مقابل خداوندگار خود اقرار می کند که من بنده تو هستم، تمام وجود من از توست و در ناهمواری های زندگی به این فهم می رسد که مدبر الامور خداست.

۲-۳-۵- دعا

دعا به معنای خواندن و حاجت خواستن، استمداد، صدازدن و به یاری طلبدن است. براساس پیش بایست دعا، برنامه درسی مأموریت می یابد تا به دانش آموز یاد دهد که عبد در عین نیازمندی به ذات اقدس الهی با دعایی که می کند در صدد جلب رحمت و توجه است. در دیدگاه علامه طباطبائی (ره) دعای بندگان جزو نظام مندترین کنش های دینی بوده و عبارت است از این که بنده ی خدا با خواندن پروردگارش رحمت و عنایت پروردگار خود را به سوی خود جلب کند و خواندنش این است که خود را در مقام عبودیت و مملوکیت قرار دهد. بنده در حال دعا خود را در مقام مملوکیت و اتصال به مولای خویش قرار می دهد و اعلام تبعیت و اقرار به ذلت می کند تا خدا را با مقام مولویت و ربوبیتش به خود معطوف سازد؛ و خدای تعالی به همین امر اشاره دارد، آنجا که می فرماید: «وَ قَالَ رَبُّكُمْ اذْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر/ ۶۰). همان طور که ملاحظه می شود نزد علامه (ره) دعا ارزشی والا دارد چراکه موجب تقرب عبد به معبود می شود و نیز سبب اعتنای معبود به عبد خود می گردد. علامه (ره) [مطابق با اعراف/ ۵۵؛ انبیاء/ ۹۰؛ مریم/ ۳؛ شوری/ ۲۶] از مواردی همچون اخلاص، مطابقت قلب و زبان، بریدگی از اسباب ظاهری و توسل به خدای تعالی به عنوان ارکان اصلی و آداب دعا یاد می کند (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۸). نقش پیش بایستی به نام دعا در هویت یابی دانش آموز این است که خدا را می شناسد و جایگاه خود را نسبت به او متوجه می شود بدین صورت که خدای متعال را در اوج رحمت، احسان، عفو و بخشایش و خود را نیازمند می یابد و درک می کند که از هیچ موجود دیگری جز خدا کاری بر نمی آید. می فهمد که اختیار هستی به دست خداست و جز با اراده او هیچ چیزی تحقق پیدا نمی کند.

جمع بندی

پژوهش حاضر در دو قسمت انجام شد. در قسمت اول سعی گردید عبودیت به عنوان مظهر حقیقی هویت دینی انسان معرفی گردد. طبق یافته های این قسمت مشخص گردید که همه موجودات عالم، مخلوق خداوند متعال و در وجود و شئون وجودی نیازمند به او هستند و هیچ گونه استقلالی از خداوند ندارند و افعالی که از آنها سر

می‌زند، آثار وجود تعلقی و نشانه فقر است و حقیقت وجود آنها عین ربط و تعلق و عبودیت محض است. در همین جهت مفسر گرانقدر تفسیر المیزان به تبعیت از نص صریح قرآن اولین هویتی که برای انسان ذکر می‌کند، انسان را مخلوق خدا می‌داند و چیزی که خداوند در مقابل خلقت خود برای او قرار داده بندگی براساس اختیار است. گرچه خداوند از آدمی خواسته ایمان بیاورد، فطرت پاکی به او داده، پیامبر داخلی که عقل است به او داده و هزاران پیامبر بر وی ارسال کرده، جانشینان پیامبران و کتب آسمانی را بر وی اعطاء کرده ولی در نهایت از انسان می‌خواهد که به اختیار خداوند را بشناسد، باور کند و در زندگی، موجودی به حال خود رهاشده نباشد، پس وقتی پذیرفت که مخلوق خداست، خدا خالق است و در درونش قابلیت‌هایی قرار داده شده تا خدا را با عقل، منطق، آیات درونی و بیرونی و... بشناسد می‌پذیرد که عبودیت را پیشه خود سازد و خداسالار باشد، یعنی در تمام شئون زندگی تلاش می‌کند که خدا را راضی کند. پس در این صورت مبدأ، مسیر و مقصد خود را با محوریت خداوند سبحان ترسیم می‌کند و آئینه تمام نمای فطرت باری تعالی می‌شود و صفات علیای او را در خود جاری می‌کند و آیت عظمی می‌گردد. در رابطه با تبیین نتایج قسمت اول می‌توان گفت این‌که کل عالم عبد و عاشق ذات حق است، امری مسلم و «لَا رِبَّ إِلَّا اللَّهُ» است و در آیات قرآن کریم هم به آن اشاره شده؛ آنجا که فرمود: «إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» (اسراء/ ۴۴) هیچ چیز نیست مگر این‌که در حال ستایش و تسبیح او باشد. خود انسان هم همان‌طور در بالا بیان شد از ابتدا خاصاً برای عبودیت و تاللهی خلق شده است. البته عبودیتی که به نفع خودش است. از آنچه در ارتباط با این قسمت ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که عبودیت مظهر حقیقی هویت دینی است هم در شناخت هویت و هم در تعالی آن، یعنی هم هدف است و هم وسیله. به علاوه عبودیت ذو مراتب و حقیقتی مشکک است که به نسبت صعود در مراتب آن، هویت شکوفا می‌شود. در جهت همسویی و مطابقت نتایج به دست آمده در قسمت اول می‌توان اظهار داشت که این خروجی با پژوهش‌های تحریری (۱۳۹۸)، طاهرزاده (۱۳۹۸)، رجبی (۱۳۹۵)، پناهیان (۱۳۹۴)، احمدی‌زاده (۱۳۹۴)، مصطفی‌پور (۱۳۹۲) و جوادی‌آملی (۱۳۸۸) همسو و اصل آن مورد تأیید است. در این راستا «تحریری» اعتقاد دارد که بندگی حقیقی خداوند، کیمیایی است که مس وجود انسان را زر می‌گرداند و تحولات عمیق و چشم‌گیری در درک، گرایش و رفتار انسان بر جای می‌گذارد. «طاهرزاده» به این مطلب اشاره و بیان می‌دارد که ذات انسان عبودیت و اقتضای آن یافتن خود در محضر رب



است. از نظر او این سرّ همه عالم بوده و در این قاعده همه معنای انسان شکل می‌گیرد؛ لذا عبودیت رب، معنای بودن حقیقی و فلسفه خلقت انسان است. «رجبی» بر آن است که در جهان بینی توحیدی، انسان هویتی از اوایی و به اوایی دارد و خود را مخلوق و عبد خداوند می‌داند و هیچ شأن مستقلی برای خودش قائل نیست. «پناهیان» مهم‌ترین منفعت عبودیت را شکوفایی احساس هویت دانسته و می‌نویسد که اگر انسان بخواهد حقیقت خود را بیابد باید خود را در عبد بودن جست‌وجو کند. «احمدی‌زاده» هم به این نتیجه رسیده بود که هویت اصلی و رنگ حقیقی آدمی رنگ بندگی و جلوه ربوبی آن است. «مصطفی‌پور» هویت انسان در قرآن را ملاقات با خدا دانسته و به نظر او مسیر حقیقی این ملاقات عبودیت است. «جوادی‌آملی» هم تأکید داشته‌اند که هویت انسان عین ربط به خداوند است و چستی او بدون ارتباط با خدا، قابل بیان و تفسیر نیست. در قسمت دوم مقاله هم سعی شد تا به پیش‌بایست‌های برنامه درسی مبتنی بر عبودیت پرداخته شود که نتیجه آن ذکر سه نوع پیش‌بایست «بینشی، گرایشی و کنشی» بود. براساس این پیش‌بایست‌ها اگر طراح برنامه درسی بتواند در دانش‌آموز معرفت ایجاد کند، به برکت معرفت در آنها محبت به وجود می‌آید، وقتی در او محبت ایجاد شد به برکت محبت در او حرکت پیدا می‌شود و به برکت حرکت به سعادت دست پیدا می‌کند و عاقبت به خیر می‌شود. نکته آخر این که پیش‌بایست‌ها جنبه‌ی مانیفستی دارند و قابل ارائه به دانش‌آموزان همه دوره‌های تحصیلی هستند. البته این هنر و مهارت طراح برنامه درسی است که موارد پیشنهادی را با توجه به رشد شناختی، توان یادگیری و تکلیف‌پذیری شرعی دانش‌آموزان در نظر بگیرد و برای آن برنامه‌ریزی کند. انتظار این است که برنامه‌ریزان دوره اول متوسطه بیشترین بهره را از مقاله ببرند.

منابع

- قرآن کریم
- ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۹)؛ *عیون أخبار الرضا*، ترجمه محمد صالح بن محمدباقر قزوینی، قم: مسجد مقدس جمکران.
- احدی، حسن؛ جمهوری، فرهاد (۱۳۹۴)؛ *روان‌شناسی رشد: نوجوانی، بزرگسالی (جوانی، میانسالی و پیری)*، تهران: آینده درخشان.
- احمدی‌زاده، نیلوفر (۱۳۹۴)؛ *مبانی نظری عبودیت و بندگی در قرآن و حدیث*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مؤسسه آموزش عالی باختر ایلام.
- الفراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)؛ *کتاب العین*، قم: دار الهجره.

- الهی‌قمشه‌ای، حسین (۱۳۷۷)؛ *سمینار هویت ایرانی در قرن بیستم*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- اهداف دوره‌های تحصیلی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۷)؛ مصوب نهصد و پنجاه و دومین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
- بزرگر، ابراهیم (۱۳۸۹)؛ «ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، س ۶، ش ۲، صص ۴۳-۷۲.
- پناهیان، علیرضا (۱۳۹۴)؛ *نگاهی به رابطه عبد و مولا*، تهران: بیان معنوی.
- تحریری، محمدباقر (۱۳۹۸)؛ *انسان و گستره حقوق بندگی: شرح رساله حقوق امام سجاد(ع)*، قم: بوستان کتاب.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۸)؛ *حق و تکلیف در اسلام*، محقق مصطفی خلیلی، قم: اسراء.
- *راهنمای برنامه درسی قرآن و تعلیمات دینی دوره‌های راهنمایی تحصیلی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی* (۱۳۹۰)؛ تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- رجبی، محمود (۱۳۹۵)؛ *انسان‌شناسی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- روشنایی، علیرضا (۱۳۹۶)؛ *بررسی چ‌های هویت دینی در بین نوجوانان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- ساداتی، انسیه (۱۳۹۰)؛ *تأثیر مادری در شکل‌گیری هویت دینی دختران نوجوان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- سجادی، ابراهیم (۱۳۹۰)؛ *قرآن و ارزش اخلاقی عواطف و احساسات*، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، س ۱۷، ش ۴، صص ۲۰-۴۳.
- *سند مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران* (۱۳۹۰)؛ تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۰۴ ق)؛ *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی(ره).
- صفایی‌حائری، علی (۱۳۹۰)؛ *مسئولیت و سازندگی*، ج ۱، قم: لیله القدر.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۹۸)؛ *معنی بندگی حقیقی*، اصفهان: گروه فرهنگی میزان.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۵)؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، جلد‌های ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- علوی، حمیدرضا (۱۳۹۹)؛ *برداشتی از هویت دینی انسان مورد نظر قرآن*، مصاحبه انجام شده با محقق [حسن نجفی] در ۲۹/۰۴/۱۳۹۹.
- فضلی، رخساره (۱۳۹۸)؛ *شکل‌گیری و تکوین هویت کودکان در دوره پیش‌دبستان*، *فصلنامه رشد آموزش پیش‌دبستانی*، س ۱۱، ش ۱، صص ۸-۶.
- قاسم‌زاده، حبیب‌الله (۱۳۷۸)؛ *شناخت و عاطفه*، تهران: فرهنگان.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۹)؛ *اصول کافی*، تهران: علمیه اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)؛ *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳)؛ «جلوه‌های معرفت و عشق به خدا»، *ماهنامه معرفت*، س ۲۳، ش ۱، صص ۱۲-۵.
- مصطفی‌پور، محمدرضا (۱۳۹۲)؛ *جایگاه دین در هویت انسان*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، سخنرانی در ۱۱/۰۸/۱۳۹۲.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق)؛ *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه آل‌البیت(ع) لإحياء التراث.



- Avramovic, S (2016); "Religious Education in Public Schools and Religious Identity in Post-Communist Serbia", *Annals FLB – Belgrade Law Review*, (3), PP 25–56.
- Conrad, F, Toepfer, J (1992); "Curriculum For Identity: A Middle Level Educational Obligation", *Middle School Journal*, 23(3), PP 3-10.
- Erikson, E. H (1968); *Identity: Youth and Crisis*, New York: Norton.
- Fanhao, N (2019); "Religion and Youth Educational Aspirations: A Multilevel Approach", *Journal of Beliefs & Values*, 40(1), PP 88-103.
- Gutek, G, L (1996); *Philosophical and Ideological Perspectives on Education*, Pearson.
- Huebner, D. E (1987); Practicing the Presence of God, *Journal of Religious Education*, 82 (4), PP 569-577.
- Macdonald, J (1995); *A Transcendental Developmental Ideology of Education*, <https://www.jstor.org/stable/45212174?seq=1>
- Nielsen, R, Arber, R, Weinmann, M (2017); "Re-Imagining Asian Religious Identity: Towards a Critical Pedagogy of Religion and Race in Australian Schools", *Journal of Science Education*, (49), PP 1-15.
- Opong, S, H (2013); "Religion and Identity", *American International Journal of Contemporary Research*, 3(6), PP 10-16.
- Phalet, K, Baysu, G, Verkuyten, M (2010); "Political Mobilization of Dutch Muslims: Religious Identity Salience, Goal Framing, and Normative Constraints", *Journal of Social Issues*, 66(4), PP 759-779.
- Phénix, P (1975); *Transcendence and the Curriculum*, Teachers College Record, 73 (2), PP 271-283, [Reprinted in W. Pinar (Ed.), *Curriculum Theorizing: The Reconceptualists* (PP321-337), Berkeley, CA: McCutchan].
- Pinar, W F, Reynolds, W M, Slattery, P, Taubman, P M (1995); *Understanding Curriculum: An Introduction to the Study of Historical and Contemporary Curriculum Discourses*, Peter Lang Inc.
- Purpel, D (1989); *The Moral and Spiritual Crisis in Education: A Curriculum for Justice and Compassion in Education*, South Hadley, MA: Bergin & Garvey.
- Rissanen, I (2014); "Developing Religious Identities of Muslim Students in the Classroom: A Case Study from Finland", *Journal of Religious Education*, 36(2), PP123-138.
- Slattery, P (1989); *Toward an Eschatological Curriculum theory*. Baton Rouge, LA: Louisiana State University, Department of Curriculum and Instruction, Unpublished Ph.D. Dissertation.
- Visser-Vogel, E, Westerink, J, Janneke, D K, Barnard, M, Bakker, C (2012); "Developing a Framework for Research on Religious Identity Development of Highly Committed Adolescents", *Journal of Religious Education*, 107(2), PP 108-121.
- Wang, T, J (2012); "Religious Identity Formation Among Adolescents: The Role of Religious Secondary Schools", *International Christian Community of Teacher Educators Journal*, 7(2), PP 1-5.
- Williams, K (1999); "Faith and the Nation: Education and Religious Identity in the Republic of Ireland", *British Journal of Educational Studies banner*, 47(4), PP 317-331.
- Ysseldyk, R, Matheson, K, Anisman, H (2010); "Religiosity as Identity: Toward an Understanding of Religion from a Social Identity Perspective", *Journal of Personality and Social Psychology Review*, 14(1), PP 60-71.